



فصل دوازدهم

آموزش (تعلیم و تحصیل)

همه اطفال - ناشنوا و شنوا - حق آموزش دارند. اطفالی که آموزش می‌بینند فرصت‌های بیشتری برای آموختن در مورد جهان، انکشاف مهارت‌ها و پیدا کردن شغل خواهند داشت. آموزش بخصوص برای اطفال ناشنوا مهم است زیرا به آنها امکان می‌دهد تفکر خود را توسعه دهند، با سایر افراد ناشنوا و شنوا ارتباط برقرار نموده، مفاهیم نمایند و دوست پیدا کنند. و اطفالی که به خوبی شنیده نمی‌توانند با مهارت‌هایی که به دست می‌آورند زندگی بارور، سازنده و مستقلی داشته و در زندگی جامعه سهم‌گیری داشته باشند.

هرچند این کتاب بیشتر برای اطفال سنین تولد تا ۵ سالگی است، این فصل شامل برخی از مسائل مهم در مورد آموزش یا تعلیم و تربیه اطفال ناشنوای بزرگتر است تا به والدین کمک کند که برای آموزش فرزندشان برنامه ریزی نمایند.

آموزش از خانه آغاز می‌شود



تعلیم و تربیه یا آموزش از خانه و از دوره نوزادی طفل شروع شده و در طول زندگی او ادامه می‌یابد. خانواده نقش بسیار مهمی در کمک به آموزش اطفال بازی می‌کند. والدین و اعضای خانواده اولین و مهمترین معلمان هستند. در خانه، طفل یاد می‌گیرد که ارتباط برقرار کند، شروع به تفکر کند و با دیگران مفاهیم نماید.

برخی از جوامع دارای معلمان و بزرگسالان ناشنوا هستند که به خانه‌های مردم می‌روند تا به والدین کمک نمایند که چگونه با فرزند ناشنوای خود ارتباط برقرار کرده و مفاهیم نمایند. آنها فعالیت‌هایی را به اعضای خانواده نشان می‌دهند که بتوانند با یکدیگر آن فعالیتها را انجام داده و زبان بیاموزند. (نظریات و فعالیت‌ها برای کمک به خانواده در آموزش زبان به اطفال شان را در فصل‌های ۷، ۸ و ۹ ببینید).

آموزش در جامعه ادامه می‌یابد



اطفال مهارت‌هایی را که برای زندگی در جامعه خود نیاز دارند از خانواده و دوستان خود می‌آموزند. با دیدن طرز صحبت، بازی و کار اطفال و سایر افراد با یکدیگر، اطفال یاد می‌گیرند که چگونه با دیگران مرادوه داشته باشند. آنها یاد می‌گیرند به جاهای مورد نیاز خود بروند - با پیاده روی، سواری یا رانندگی. آنها خرید و فروش را، پرداخت بل‌ها (قبض‌ها) و انجام دادن کارها را یاد می‌گیرند. آنها جمع آوری چوب، کشت محصولات، ماهیگیری، بافتن یا دوختن، ساختن صنایع دستی و بسیاری مهارت‌های دیگر را می‌آموزند.

وقتی اطفال در جامعه اشتراک می‌کنند، همچنان در مورد احساسات و عواطف خود می‌آموزند و عزت نفس پیدا می‌کنند. بازی‌هایی که بایکدیگر بازی می‌کنند شیوه‌های غیررسمی برای یادگیری عضویت در جامعه است. (فصل ۱۰ و فصل ۱۱ راه‌هایی را برای مشارکت دادن اطفال در جامعه و برای تقویت مهارت‌های اجتماعی نشان می‌دهند).

اطفال وقتی رشد نموده و بزرگتر می‌شوند برای رفته به مکتب آماده می‌شوند. آموزش در مکتب بر مهارت‌هایی که اطفال در خانه و در جامعه کسب نموده اند، اعمار می‌شود. همچنان آموزش در مکتب به اطفال مهارت‌هایی را می‌دهد که آنها را برای زندگی در بزرگسالی آماده می‌کند.

رفتن به مکتب برای اطفال ناشنوا مهم است

من می‌خواهم برای برادرم که برای کار کردن به شهر رفته است نامه بنویسم.



آموزش در مکتب توانایی اطفال ناشنوا یا اطفالی را که به خوبی شنیده نمی‌توانند برای برقراری ارتباط یا مفاهمه بهبود می‌بخشد و می‌تواند به آنها مهارت‌هایی را جهت پیشبرد یک زندگی سازنده و حمایت از خانواده‌هایشان بدهد. در مکتب اطفال ناشنوا می‌توانند خواندن و نوشتن را بیاموزند که اغلب یگانه طرقي اند که افراد ناشنوا با آن می‌توانند با کسانی که زبان اشاره نمیدانند یا نمی‌توانند گفتار آنها را درک کنند، ارتباط برقرار کرده و مفاهمه می‌نمایند.

خواندن به افرادی که نمی‌توانند به خوبی بشنوند کمک می‌کند تا نظریات، احساسات و تجربیان دیگران را درک کنند. نوشتن به آنها کمک می‌کند تا باهم ارتباط برقرار نموده یا مفاهمه کرده و افکار و عواطف خود را به اشتراک بگذارند.

خصوصاً دختران ناشنوا به آموزش نیاز دارند!

تو نباید در مورد رقیه تشویش نمایی. تو با فرستادنش به مکتب کار درستی انجام دادی. یک روز او خواهد توانست از تو مواظبت کند.



برای یک دختر ناشنوا اغلب آموزش و تحصیل بسیار دشوارتر است. دختری که خوب شنیده نمی‌تواند اغلب در خانه نگه داشته می‌شود تا کارهای خانه را انجام دهد - حتی بعد از آن که خواهران و برادرانش برای رفتن به مکتب یا ازدواج از خانه بیرون می‌روند.

چرا نیاز است تا یک دختر ناشنوا در مورد جهان بداند؟ او برای ایمن نگه داشتن خود و مشارکت در جامعه خود به مهارت‌هایی نیاز دارد. او باید حقوق خود را بداند و مهارت‌های لازم برای داشته شغل یا وظیفه و زندگی مستقل را به دست آورد.

بدون ارتباط یا مفاهیم و آموزش یک دختر ناشنوا نمی‌تواند قواعد اجتماعی را بیاموزد یا تغییرات بدن خود را درک کند. بسیاری از دختران ناشنوا حامله می‌شوند بدون این که بدانند چرا و چگونه. همه دختران و زنان باید اطلاعاتی را در مورد تمایلات جنسی، تنظیم خانواده و انتانات مقاربتی به شمول اچ آی وی / ایدز دریافت نمایند.

انواع مختلف مکاتب برای اطفال ناشنوا

اطفالی که ناشنوا هستند یا خوب نمی‌شنوند می‌توانند به مکتب بروند و چیزهای زیادی بیاموزند، به شمول مهارت‌هایی که برای کسب درآمد به آنها نیاز دارند. آنها می‌توانند در صنوف معمولی یکجا با اطفال شنوا و یا به طور جداگانه با سایر اطفال ناشنوا آموزش ببینند.

ویا شاید پری بتواند به مکتبی که در همسایگی ما است برود. او حق دارد که مانند هر طفل دیگری به آنجا برود!

پسر خواهر من به یک مکتب شبانروزی که برای ناشنوایان است می‌رود. دفعه بعد که به دیدن ما آمد تو باید ببایی و از او بپرسی.

سال آینده پری به سن مکتب میرسد، اما من نمی‌دانم که کدام مکتب برایش بسیار خوب است تا شامل شود.

ما مجبور خواهیم بود کمک کرده و مطمئن شویم که معلم بداند چگونه یک طفل ناشنوا را تدریس کند.



هرچند ممکن است شما در مورد نوع مکتبی که طفل خود را به آن شامل سازید، انتخاب زیادی نداشته باشید باز هم دانستن در مورد مکاتب مهم است زیرا:

- می‌تواند به شما کمک کند تا فکر کنید که برای طفل شما چه بهتر خواهد بود.
- می‌تواند به شما کمک کند تا با مکتب خود کار کرده و مکتب را برای اطفال ناشنوا بهتر سازید.
- می‌تواند به شما کمک کند تا با جامعه کار نموده و مکتبی را پیدا کنید که خانواده‌های دارای اطفال ناشنوا به آن نیاز دارند.

مکاتب و زبان

مکتبی که اطفال ناشنوا را تدریس می‌کنند اکثراً یا تمرکز شان بر زبان گفتاری همان جامعه است و یا بر زبان اشاره. برخی مکاتب به اطفال ناشنوا آموزش می‌دهند تا صحبت کنند و در عین زمان از زبان اشاره کار می‌گیرند و یا صحبت نموده و با انگشتان هجا می‌کنند. آنها از زبان اشاره، ژست‌ها، تصاویر، لبخوانی و خواندن و نوشتن استفاده می‌نمایند.

اغلب معلمانی که زبان گفتاری را استفاده می‌کنند و معلمانی که از زبان اشاره کار می‌گیرند با شیوه تدریس یکدیگر موافق نیستند. این وضعیت می‌تواند برای والدین دریافت معلومات را در مورد اینکه هر یک از روش‌ها چه خوبی‌هایی دارند، بسیار مشکل سازد.



فصل‌های ۷ و ۹ را برای معلومات در مورد زبان‌های گفتاری و اشاره و چگونگی شروع استفاده از آنها ببینید. مهم است بخاطر داشته باشید که هر طفل نیازها و توانایی‌های خود را دارد..

اطفال ناشنوا می‌توانند در همان صنوفی آموزش ببینند که اطفال شنوا هستند

تدریس اطفال ناشنوا و اطفال شنوا در عین صنف اغلب یگانه راهی است که جامعه قادر است برای آموزش اطفال ناشنوا از آن استفاده کند. اطفال شنوا ممکن است اطفال ناشنوا را به سبب طرز صحبت آنها و یا بخاطری که نمی‌توانند گفتار مردم را بفهمند، مسخره نموده و یا نادیده بگیرند. اما اگر مردم تلاش نمایند که این سلوک آسیب زنده را توقف دهند، اطفال ناشنوا می‌توانند این فرصت را پیدا کنند تا با اطفال شنوا دوستی برقرار کنند و بخشی از جامعه محلی گردند.



برخی از مکاتب محلی زبان اشاره را به همه آموزش می‌دهند تا اطفال ناشنوا بخشی از جامعه شده و از قلم نیافتند. و یا آنها وقت بیشتری را صرف آموزش صحبت کردن به اطفالی می‌کنند که خوب شنیده نمی‌توانند.

مزایای آموزش با اطفال شنوا

- اطفال ناشنوا می‌توانند به زندگی در خانه با خانواده خود ادامه دهند.
- اغلب هزینه یا مصارف کمتری دارد.

مشکلات آموزش با اطفال شنوا

- اطفال شنوا ممکن است اطفال ناشنوا را اذیت کنند یا نادیده بگیرند.
- معلمان ممکن است توانایی آموختن زیاد در مورد ناشنوایی یا طرز آموزش اطفال با توانایی‌های متفاوت شنوایی را نداشته باشند.
- ممکن است افرادی که بتوانند به زبان اشاره صحبت کرده و یک زبان کامل را بیاموزند، کافی نباشند. ممکن است انکشاف ذهنی طفل آسیب دیده باشد.

راه‌های حمایت از اطفال ناشنوا در صنوف اطفال شنوا

فقط باز کردن دروازه‌های مکتب به روی اطفال ناشنوا کافی نیست. یک طفل ناشنوا که در یک صنف معمولی آموزش می‌بیند به معلم و همصنفی‌هایی نیاز دارد که بتوانند با او ارتباط برقرار کرده و مفاهیم را نمایند. دروس باید به طرز آموختن داده شود که اطفال ناشنوا بتوانند بفهمند. اگر طفل ناشنوا دروس را فهمیده نتواند، یاد نخواهد گرفت.

وقتی مکاتب از اطفال ناشنوا حمایت کافی نکنند، آنها مانند اطفال شنوا به خوبی یاد نخواهند گرفت. هرگاه سطح توقع مکاتب از اطفال ناشنوا کمتر یاد گرفتن باشد، در آنصورت همه اطفال همان چیز را خواهند آموخت - که اطفال ناشنوا توانایی کمتری دارند. این تصور درست نیست و به همه آسیب می‌رساند.

برای معلمان آموزش‌های اضافی ارائه دهید تا بتوانند طرز برقراری ارتباط و مفاهیم را با اطفال ناشنوا بیاموزند

هرگاه یک معلم با اطفالی که ناشنوا هستند یا کمتر شنیده می‌توانند کار نکرده باشد، ممکن است در مورد طرز آموز به طفلی که به خوبی شنیده نمی‌توانند مطمئن نباشد. در مورد نیازها و توانایی‌های طفلی با معلم صحبت کنید و ببینید که آیا راه‌های ساده برای آسان ساختن آموزش برای طفل وجود دارد یا خیر.



هرگاه یک طفل کمی شنیده یا لب خوانی کرده می‌تواند، معلم باید هنگام صحبت کردن رو به روی او باشد و مرتباً بررسی کند تا مطمئن شود که طفل می‌تواند دهان او را ببیند.

اجازه دهید طفل نزدیک معلم بنشیند. به این ترتیب او بهتر می‌تواند حرکت لبهای معلم را ببیند. همچنین حواسش از حرکت سایر اطفال کمتر منحرف خواهد شد.

به مکاتب کمک کنید تا نیازهای یک طفل ناشنوا را برآورده سازند:

- معلمان می‌توانند سایر افراد مکتب - معلمان و اطفال دیگر - را برای استقبال از اطفال ناشنوا آماده سازند. آنها می‌توانند به همه در مکتب در مورد ناشنوایی و این که اطفال ناشنوا چگونه با دیدن به بهترین وجه یاد می‌گیرند، آموزش دهند.
- بزرگسالان ناشنوا می‌توانند به معلم یا شاگردان در آموزش زبان اشاره کمک کنند. آنها می‌توانند با توجه بیشتر به دانش آموزان ناشنوا به معلم در صنف کمک کنند.
- از آنجایی که اطفال ناشنوا یا آنهایی که به خوبی شنیده نمی‌توانند با دیدن یاد می‌گیرند، مکاتب می‌توانند به آنها کمک کنند تا در صورت نیاز چشم‌های خود را معاینه کرده و عینک بگیرند.



والدین می‌توانند با معلمان طفل خود ملاقات کنند تا در مورد آنچه می‌آموزد و چگونه می‌آموزد، معلومات به دست آورند. اینکار کمک می‌کند تا والدین بیشتر تقویت شده و بتوانند چیزهایی را که طفل شان در مکتب می‌آموزد افزایش دهند. آنها همچنان می‌توانند به معلم در مورد کارهایی که طفل در خانه انجام می‌دهد بگویند. به این ترتیب معلم می‌تواند چیزهایی از تجارت طفل را در درس خود بگنجاند.

اطفال ناشنوا می‌توانند در گروه خود یاد بگیرند

اطفال ناشنوا یا آنهایی که به خوبی شنیده نمی‌توانند، در صنوف جداگانه برای اطفال ناشنوا در یک مکتب محلی، یا در روزهای جداگانه در مکتب محلی و یا در یک مکتب شبانروزی، می‌توانند آموزش ببینند. بسیاری از انجمن‌های محلی یا ملی، یا سازمان‌های دولتی، مذهبی، اجتماعی یا کمک‌رسانی ممکن است مکاتب یا صنوف جداگانه را برای آموزش اطفال ناشنوا یا کم‌شنوا راه اندازی کرده باشند. این سازمانها حتی ممکن است برای اطفال ناشنوا بورس‌های تحصیلی ارائه دهند تا در چنین مدارس یا صنوفی بتوانند آموزش دیده و تحصیل کنند.

گردهم آوردن اطفال ناشنوا در مکاتب یا صنوف خاص خودشان، جامعه از اطفالی را ایجاد می‌کند که در غیر آن ممکن بود از همدیگر مجزا و جدا می‌بودند.



وقتی اطفال در این گونه مکاتب شامل می‌شوند، اغلب زبان اشاره را یاد می‌گیرند. همچنان اگر اعضای خانواده نیز زبان اشاره را بیاموزند، می‌توانند با فرزندان خود بهتر ارتباط برقرار کرده و مفاهیم نمایند.

مکاتب شبانه روزی

اطفال ناشنوا در این مکاتب زندگی می‌کنند و فقط برای رخصتی آخر هفته یا تعطیلات عمومی به خانه می‌روند. اطفال در مکاتب شبانه‌روزی اغلب مهارتهایی مانند کامپیوتر، فنون میخانیکی، هنر و کشاورزی و همچنان خواندن، نوشتن و حساب را برای کار می‌آموزند.



خانواده‌ها گاهی اوقات نگران می‌شوند از این که طفل شان از خانه دور است. برقراری ارتباط با خانواده‌های دانش آموزان دیگر، دیدار با فرزندان شان در مکتب و ملاقات با دوستان و معلمان اطفال می‌تواند به والدین کمک نماید که وقتی فرزندان شان در مکاتب شبانه‌روزی و دور از آنها هستند، احساس راحتی بیشتری داشته باشند.

مانند هر جای دیگری که اطفال در آن زندگی می‌کنند، در یک مکتب شبانه‌روزی نیز احتمال سوء رفتار و سوء استفاده از اطفال موجود است (برای معلومات در مورد سوء استفاده به فصل ۱۳ مراجعه کنید). والدین باید فرزندان خود را در مکاتب شبانه‌روزی تشویق کنند تا مشکلات خود را به معلمان، مربیان لیلیه و دیگران در میان بگذارند.

اکثر ناشنوایانی که در مکاتب شبانه‌روزی تحصیل کرده اند، تجربه خوبی داشته اند. حتی باوجود این که دلتنگ خانواده‌های خود می‌شدند، مکتب به آنها فرصت‌های بیشتری برای برقرار ارتباط با گروه بزرگتری از افراد را فراهم می‌ساخت و دانش آموزان ناشنوا با سایر دانش آموزان و کارکنان ارتباط نزدیکی ایجاد نموده بودند.



مکاتب روزانه برای ناشنوایان

این مکاتب روزانه فقط اطفال ناشنوا را آموزش می‌دهد. اطفال به زندگی در خانه و با خانواده خود ادامه می‌دهند و با اطفال شنوا و بزرگسالان جامعه خود در مرادده می‌باشند.

صنوف جداگانه برای ناشنوایان در مکاتب محلی

در برخی مکاتب اطفال ناشنوا تمام روز را در یک صنف جداگانه درس می‌خوانند و اطفال شنوا را فقط در زمان تفریح می‌بینند. در برخی مکاتب دیگر اطفال ناشنوا بخشی از روز را در صنوف آموزش هنر ویا ورزش با اطفال شنوا می‌گذرانند. سن و توانایی اطفال در صنف ویژه ممکن است متفاوت باشد.



مزایای آموزش فقط با سایر اطفال ناشنوا

- اکثر مکاتب و صنوف ناشنوایان معلمانی با تحصیلات ویژه برای آموزش اطفال ناشنوا دارند. این معلمان معمولاً می‌توانند نیازهای اطفال ناشنوا را برآورده ساخته و به هریک از اطفال رسیدگی کنند.
- اطفال ناشنوا وقتی می‌توانند با همه افراد اطراف خود ارتباط برقرار کرده یا مفاهیم نمایند، کمتر احساس تنها بودن و انزوا خواهند داشت.
- اطفال ناشنوا این فرصت را خواهند داشت تا بازی کنند، بیاموزند، مهارت‌های اجتماعی خود را انکشاف دهند و ایجاد دوستی نمایند.
- اطفال می‌توانند با بزرگسالان ناشنوا که در مکتب کار می‌کنند ملاقات نموده و مراد داشته باشند.
- برخی از مکاتب یا صنوف درسی ناشنوایان همچنان به اطفال ناشنوا کمک می‌کنند تا تست شنوایی و سمعک دریافت کنند.



مشکلات آموزش فقط با سایر اطفال ناشنوا

- اطفال ناشنوا که در مکاتب جداگانه درس می‌خوانند ممکن است یاد نگیرند که چگونه با افراد "در دنیای شنوایان" به راحتی زندگی نموده و تعامل داشته باشند.
- ممکن است مکاتب بسیار دور و پُرهزینه باشند.
- صنوف ممکن است شامل اطفالی از سنین مختلف باشد. رسیدگی به نیازهای مختلف شاگردان ممکن است برای معلمان مشکل باشد.



مکاتب خوب نیاز اطفال ناشنوا را برآورده می‌سازد

همه جوامع می‌توانند مکاتب خوبی برای اطفال ناشنوا و شنوا داشته باشند. چیزی که یک مکتب را خوب می‌سازد، پول، تعمیر جيد یا معلمان متخصص نیست. یک مکتب خوب به تمام نیازهای شاگردان خود توجه نموده و معلمانی متعهد دارد که به اطفال با توانایی‌های شنوایی متفاوت کمک می‌کنند تا زبان را بیاموزند و از آن استفاده کنند.



مکاتبی که به نیازهای اطفال ناشنوا پاسخ می‌دهند، می‌توانند تغییرات زیادی در زندگی آنها ایجاد کنند.

مکاتب می‌توانند با خدمات مواظبت‌های صحتی و شفاخانه‌ها برای ارائه تست‌های شنوایی و بینایی و برای تهیه سمعک و عینک، همکاری نمایند. می‌توانند مکاتب را به دسترس کمپاین‌های واکسیناسیون قرار دهند تا والدین بتوانند به آسانی اطفال خود را برای واکسین در آنجا بیاورند. همچنان مکاتب می‌توانند تغذی و حفظ الصحت را در مضامین درسی خود شامل سازند.

مکاتب می‌توانند برای اطفال ناشنوا وقت بدهند تا با اطفال شنوا بیاموزند و بازی کنند و به اطفال اجازه ندهد که یکدیگر را مسخره کنند. هرگاه مکاتب در مورد تاریخچه و اهمیت ناشنوایان و جامعه ناشنوایان آموزش دهند، می‌توانند به اطفال ناشنوا کمک کنند تا احساس مهم بودن نموده و عزت نفس پیدا کنند.

وقتی مکاتب برای بار اول شامل اطفال ناشنوا می‌شوند، اغلب با وجود نیت خوب شان، اشتباه می‌کنند. مکاتب باید در مورد ناشنوایی بیاموزند، عیناً همانطور که اطفال ناشنوا مجبورند در مورد مکاتب بیاموزند. در اینجا قصه یک خانواده آمده است که برای آموزش دخترشان پافشاری نمودند و در مورد تغییری که در زندگی دخترشان بوجود آمد.

داستان اویونا

وقتی اویونا ۷ ساله شد با دیگر اطفال هم سن و سال خود شروع به رفتن به مکتبی کرد که در نزدیکی شان در یک شهر کوچک در کشور منگولیا موقعیت داشت. والدینش مجبور شدند بسیار سخت تلاش کنند تا مکتب را متقاعد سازند که به دختر ناشنواى شان اجازه شمولیت مکتب را بدهد. در منگولیا بصورت عنعنوی این عقیده موجود است که اطفال ناشنوا "غیرنورمال" اند و نباید با اطفال "نورمال" یکجا باشند. والدین اویونا بسیار خوشبخت بودند که مدیر مکتب با شمولیت وی موافقت کرد.

اما باوجودی که اویونا به مکتب می‌رفت هیچ وسیله برقراری ارتباط به جز بعضی ژست‌ها، حرکات، اشارات و بعضی صداها نداشت. معلم مکتب آنها نمی‌توانست با او ارتباط برقرار کرده یا مفاهم نماید. به زودی مشخص شد که اویونا یاد گرفته نمیتواند. والدین اویونا امید خود را از دست می‌دادند زیرا یگانه مکتب برای اطفال ناشنوا در پایتخت بود، بسیار دور از خانه اویونا.



چقدر میتوان انتظار داشت که اویونا به آن فاصله زیاد و دور از حمایت و عشق خانواده‌اش آموزش ببیند. مخصوصاً وقتی راهی برای توضیح وضعیت برایش و یا تماس با او را نداشته باشیم.

سپس یکی از همسایه‌ها در مورد یک برنامه جدید در مکتب دیگری در همان نزدیکی به آنها خبر داد. یک معلم که پسرش ناشنوا بود در آن مکتب به معلمان دیگر در آموزش زبان اشاره کمک می‌کرد. اطفال ناشنوا و اطفال شنوا همگی در یک صنف کلمات گفتاری و اشاروی را در یک صنف آموزش می‌گرفتند.



اویونا حالا هر روز صبح با خوشحالی به مکتب جدیدش می‌رود. اطفال شامل صنف وی در یک مسابقه ریاضی که بین تمام مکاتب شهر دایر شده بود، جایزه گرفتند. و اویونا برای دستخط خوبش جایزه گرفت. اویونا از یک دختری که در آغاز رفتن به مکتب غمگین بود و خنده نمی‌کرد به یک طفل شاد و ساعت تیر که اغلب به سایر اطفال صنف خود کمک می‌کند تغییر کرد.

مکاتب خوب معلمانی دارند که متعهد به آموزش هستند

از مهمترین ویژگی‌های معلم این است که انتظار داشته باشد اطفال ناشنوا می‌توانند در مکتب و در زندگی به خوبی عمل کنند و این که برای خودش وقت بگذارد تا در مورد نیازها و توانایی‌های هر طفل بیاموزد.

تجربه بهترین معلم را می‌سازد

یک مکتب روزانه برای ناشنوایان در تانزانیا معلمی داشت که خودش ناشنوا بود. اگرچه او هیچ آموزش رسمی به عنوان معلم نداشت اما صبر و خلاقیت او کمک کرد تا توانایی‌های هر یک از اطفال بروز نماید.

از آنجایی که معلم نمی‌توانست صدای اطفال را بشنود، در هنگام آموزش صحبت کردن دست خود را روی شانه آنها گذاشت تا لرزش صداها را احساس کند. او همچنان با استفاده از زبان اشاره با آنها صحبت می‌کرد، با آنها در خط نویسی کمک کرد و با شمردن سرپوش بوتل‌ها ریاضی را به اطفال تدریس کرد.

صنف کوچک بود بنابراین معلم می‌توانست با هر طفل وقت بگذراند. او یاد گرفت که قویترین تواناییهای آنها را شناسایی کرده و از آنها برای کمک به آموزش استفاده کند.



بسیاری از مردم فکر می‌کنند که یک معلم با آموزش خاص بهترین معلم برای اطفال ناشنوا است. این همیشه درست نیست. آموزش در مورد ناشنوایی اوتوماتیک یک معلم بهتری نمی‌سازد. بسیاری از معلمان ناشنوایان فرصت آموزش در کشور خود را ندارند، بنابراین برای آموزش به جاهایی می‌روند که بسیار متفاوت از جوامع خود آنها هستند. استفاده از نظریاتی که در یک کشور دیگر یاد می‌گیرند، ممکن است دشوار باشد و یا در مکاتب و جوامع خودشان ممکن است به هیچ وجه سازگار نباشد.

من ترتیبی داده ام که کلینیک چشم شفاخانه محلی، همه اطفال ما را معاینه چشم نماید.



معلمی که برای آموزش اطفال ناشنوا آموزش دیده است می‌تواند منبعی برای سایر معلمان باشد. معلمان ناشنوایان و معلمان با تجربه در آموزش اطفال شنوا می‌توانند از یکدیگر بیاموزند و سطح دانایی خود را افزایش دهند. این به اشتراک گذاری تجارب به نفع همه اطفال است.

بزرگسالان ناشنوا به اطفال ناشنوا در آموزش کمک می‌کنند

بزرگسالان ناشنوا احتمالاً بهترین معلمان برای اطفال ناشنوا هستند. مکاتب خوب بزرگسالان ناشنوا را در صنوف درسی به عنوان معلم، مترجم و دستیار شامل می‌سازند. بزرگسالان ناشنوا چالش‌هایی را که اطفال ناشنوا با آن روبرو هستند درک می‌کنند. بزرگسالان ناشنوا می‌توانند به الگوهایی برای اطفال ناشنوا تبدیل شوند و به ایجاد نگرش مثبت در مورد ناشنوایی و افراد ناشنوا کمک کنند.



اطفال بزرگتر می‌توانند اطفال کوچکتر را در یادگیری خواندن و نوشتن کمک کنند.

اطفال می‌توانند به یکدیگر در آموزش کمک کنند

بسیاری از اطفال برای یادگیری ایده‌های دشوار به کمک نیاز دارند. اطفال ناشنوا اغلب به کمک و توجه بیشتری برای آموزش مهارت‌هایی مانند خواندن و نوشتن نیاز دارند. اطفال ناشنوا و شنوا، بزرگتر و کوچکتر، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند تا مهارت‌ها را بیاموزند و در مکتب احساس راحتی داشته باشند (صفحات ۲۶، ۱۳۷ و ۱۳۸ شامل مثال‌هایی از نحوه کمک اطفال به یکدیگر است).

اطفال می‌توانند در آموزش خودشان سهم بگیرند



یک معلم در مکتبی در کشور زامبیا اطفال را تشویق نمود تا آزادانه در مورد این که چه را می‌خواهند بیاموزند، نظریات خود را ابراز نمایند. معلم نظریه شبیه رأی گیری در صنف را مطرح نمود.

یک هفته اطفال انتخاب نمودند تا در مورد دلایل این که چرا مردم مجادله نموده و جنگ‌ها را به راه می‌اندازند، بیاموزند. هفته دیگر آنها انتخاب نمودند تا در مورد آب و هوا و این که چرا در بهار و زمستان باران می‌بارد، آموزش ببینند. با گذشت هفته‌ها، بیشتر اطفال در مورد چیزی که می‌آموختند بیشتر علاقمند گردیدند. سلوک آنها بهتر شد و حاضری آنها در مکتب بیشتر منظم گردید. در ختم سال تعلیمی، حتی این اطفال در تمام قریه رفتند تا اطفالی را پیدا کنند که به مکتب نمی‌روند و آنها را تشویق نمودند تا به مکتب بروند.

وقتی اطفال در آموزش خودشان سهم داشته باشند و برای حل مشکلات باهم کار کنند، آنها آموزشی را خواهند داشت که با نیازهای شان بهتر هم‌نوا باشد. آنها در مورد خودشان، در مورد چیزی که یاد می‌گیرند و در مورد توانایی شان برای ایجاد تغییر در جهان، اطمینان حاصل می‌کنند.

حمایت خانواده در مکتب با اهمیت است

والدین و خانواده‌ها نقش بزرگی در آموزش اطفال ناشنوای‌شان دارند. والدین تجاربی دارند که می‌توانند برای آموزش اطفال ناشنوا با مکتب شریک سازند. والدین همچنان می‌توانند با جامعه همکاری کنند تا مکتب را برای اطفال ناشنوا بهتر سازند. مکتب با گروه‌های والدین فعال می‌توانند در مورد نیازهای آموزشی و عاطفی خانواده‌های دارای اطفال ناشنوا، صحبت کنند.

چنین مکاتبی اغلب مکتب بهتری هستند.

همانطور که والدین در مورد حق آموزش اطفال خود و توانایی آنها برای آموزش بیشتر آگاه می‌شوند، خودشان آغاز به طرح تقاضاها از مکتب محلی خواهند کرد.



خاتم گومز، من یک اندازه نگران هستم چون هیچوقت در گذشته در صنف خود طفل ناشنوا نداشتم.

انجیلا یک طفل ذکی است. من میدانم که او در اینجا به خوبی پیشرفت می‌کند. من می‌توانم بعضی اشارات را به شما بیاموزانم تا زمانی که شما کسی را پیدا کنید که اشارات را به شما و در صنف تدریس نماید.

مکتب خوب طفل را برای ساختن زندگی و امرار معاش آماده می‌سازند

بسیاری از والدین نگران آینده آن فرزندان شان هستند که ناشنوا بوده یا به خوبی شنیده نمی‌توانند. آنها چگونه می‌توانند امرار معاش نموده و زندگی خود و خانواده خود را تأمین کنند؟ برخی از مکاتب ناشنوایان، شاگردان خود را در مهارت‌های حرفوی آموزش می‌دهند که می‌توانند بعداً برای یافتن شغل یا راه اندازی کسب و کار از آنها استفاده کنند. خیاطی و نجاری هر دو شغل‌های رایجی هستند که در برنامه‌های حرفوی آموزش داده می‌شوند. همچنان کورس‌های آموزشی وجود دارند که اطفال ناشنوا بعد از فراغت از مکتب می‌توانند شامل آنها گردیده و در مهارت‌های کمپیوتر، ترمیم موتور، فناوری چاپ، حسابداری، آشپزی، کشاورزی و هنر آموزش ببینند. در واقع تقریباً غیرممکن است که شغلی را پیدا کنید که در آن یک فرد ناشنوا برتری نداشته باشد!

در یک مکتب شبانه‌روزی در کشور رومانیای، اطفال از سراسر کشور می‌آیند - گاهی از روستاهای کوچک از فاصله بیشتر از ۲۰۰ کیلومتر. اطفال ۹ ماه از سال را در آن مکتب می‌گذرانند، بنابراین مکتب برای آنها خانه دوم می‌شود.



در مکتب همه از سمک استفاده می‌کنند، زبان گفتاری و لبخوانی را یاد می‌گیرند و کار سفال‌گری با استفاده از خاک رس به آنها آموزش داده می‌شود. بسیاری از اطفال در سن ۱۴ سالگی مکتب را ترک می‌کنند و بعداً به عنوان سفالگر ماهر امرار معاش و زندگی می‌نمایند.

کار با یکدیگر برای کمک به موفقیت اطفال ناشنوا

اطفال ناشنوا زمانی می‌توانند موفق شوند که والدین، مکاتب و جوامع باهم کار کنند تا محیطی مثبت برای آنها ایجاد کنند. آموزش خوب برای این اطفال به چیزهای زیادی بستگی دارد، از جمله:

- آیا اطفال یک زبان را می‌آموزند و از آن استفاده می‌کنند.
- آیا تدریس، مفاهیم و سهمگیری خانواده خوب است یا خیر.
- آیا جامعه فرصت‌هایی را برای موفقیت افراد ناشنوا ایجاد می‌کند یا خیر.



مکتب ابتدایی که من در آن درس می‌دهم یک صنف نجاری مشهور دارد که در آن یک مرد ناشنوا تدریس می‌کند.

والدین، مکاتب و جوامع می‌توانند با یکدیگر کار نمایند تا مطمئن شوند که آموزش‌های حرفی برای جوانان ناشنوا موجود است، شغل‌هایی برای افراد ناشنوا ارائه می‌شود و قرضه‌ها یا کمک‌های مالی برای مشاغل کوچک در دسترس است.

بعضی از جوامع حتی از مشاغلی که کارگران ناشنوا یا افرادی را که به خوبی شنیده نمی‌توانند، استخدام نمایند. مالیات کمتری می‌گیرند و یا به آنها کمک مالی می‌دهند. سازمان‌های اجتماعی طرح‌های قرضه دورانی را ایجاد کرده اند که به صنعتگران ناشنوا کمک مالی می‌دهند تا تجهیزات و مواد اولیه را برای راه اندازی تجارت‌های کوچک خود خریداری کنند. قرضه‌ها کم کم بازپرداخت می‌شوند تا با پول جمع آوری شده بتوانند یک ناشنوای دیگر را کمک کنند تا تجارت خود را شروع کند.

گروه ما بزرگسالان ناشنوا مدیریت رستوران ایستگاه راه آهن را به عهده دارند. من فکر می‌کنم که برای افراد شنوا خوب است که مفاهیم ما را بیاموزند، در غیر آن برایشان غذا نیست!



چند تن از دوستان ناشنوای من که علوم دینی خوانده اند، حالا در اماکن دینی کار می‌کنند و از زبان اشاره برای مفاهیم استفاده می‌کنند.

یک جوان ناشنوا ممکن است نظر به توانایی و علاقه خودش و با در نظر داشت منابع محلی، بازار، فرصت‌های آموزشی و سایر فکتورها تصمیم گرفته بتواند که چه چیزی را می‌خواهد بیاموزد.



رنگمال‌ها موفق می‌شوند

شبکه از مردان ناشنوا در جنوب هند یک تجارت رنگمالی خانه‌ها را راه اندازی نمودند. مردم ترجیح می‌دادند از آنها بخواهند تا خانه‌های شان را رنگ کنند زیرا آنها این کار را سریعتر از سایر رنگمال‌ها انجام می‌دادند. بابو، که رهبر آنها بود در مذاکره مهارت داشت و فعالانه پیگیر تجارت جدید بود. هر قدر که اعمار خانه‌های جدید و یا بازسازی خانه‌ها افزایش می‌یافت، مردم بیشتر و بیشتر درمی‌یافتند که گروه مردان ناشنوا در کار خود ماهر هستند و تقاضا برای آنها بسیار زیاد بود.

هرچند این کتاب در مورد اهمیت کمک به اطفال ناشنوا تاحد امکان از سنین کمتر است، تلاش برای کمک به بزرگسالان ناشنوا نیز مهم است. جوامع ما زمانی قویترین خواهند بود که به همه ما توجه داشته باشند.

اسم من تسوگو است و من در منگولیا زندگی می‌کنم. این قصه من است.



هیچگاه برای آموختن بسیار دیر نیست

ما خواستیم که او دوستانی پیدا کند، خواندن و نوشتن یاد بگیرد و احتمالاً کار و تجارتی بیاموزد تا بتواند زندگی بهتری داشته باشد.

تسوگو چوپان خوبی بود اما بسیار منزوی بود. ما نمی‌خواهیم که دنیای او اینقدر محدود باشد.



تسوگو بعد از یک بیماری شدید در ۳ سالگی شنوایی خود را از دست داد. وقتی بزرگتر شد، در خانه ماند و خواهران و برادرانش به مکتب رفتند. خانواده تسوگو از چند اشاره خانگی برای برقراری ارتباط یا مفاهمه با او استفاده می‌کردند اما او بیشتر وقت خود را به تنهایی سپری می‌کرد و از اسپ‌ها، گوسفندها و بزهای خانواده مراقبت می‌نمود.

یک روز والدینش در مورد صنف جدیدی آگاهی پیدا کردند که توسط یک گروه اجتماعی برای بزرگسالان ناشنوا که هیچگاه مکتب نرفته بودند، راه اندازی شده بود.

بعد از ۲ تلاش سخت برای آموزش، تسوگو بالاخره توانست به راحتی با همصنفی‌های خود ارتباط برقرار کرده یا مفاهمه نماید و بتواند بخواند، بنویسد و حساب کند.

تسوگو تصمیم گرفت که مانند برخی از دوستانش با استفاده از همان برنامه آموزشی که آنها رفته بودند، یک حرفه تجارتي را بیاموزد. او در یک مکتب تعلیمات حرفوی قبول شد تا بیاموزد که چگونه یک نجار ماهر شود.

و دختر کوچک ما کنجکاو، تلاش و اراده پدرش را دارد.



با یک کار خوب من توانستم در مورد ازدواج و تشکیل خانواده فکر کنم.